

مطالعه تحلیلی ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان بزهکار

دکتر عباسعلی حسین‌خانزاده ✉

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه گیلان

محبوبه طاهر

دانشجوی دکترای روان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده:

بزهکاری و رفتار مجرمانه فرایند پیچیده و چندبعدی است که تحت تأثیر متقابل عوامل محیطی و زمینه‌های سرشتی فردی قرار دارد. این رفتارها به عنوان اعمال و نگرش‌هایی تعریف می‌شوند که هنجارهای اجتماعی و حقوق فردی یا خصوصی دیگران را نقض می‌کنند. با توجه به عواقب رفتارهای بزهکارانه از جمله مخاطرات فردی و اجتماعی و هزینه‌های اقتصادی آن، درک دلایل مشارکت برخی نوجوانان در رفتارهای ضد اجتماعی و عدم مشارکت برخی دیگر از نوجوانان، از اولویت‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در جامعه به حساب می‌آید. علی‌رغم چندبعدی بودن رفتارهای بزهکارانه، الگوی رفتاری ضد اجتماعی و بزهکارانه تا اندازه‌ای می‌تواند از طریق برخی از ویژگی‌های شخصیتی تبیین گردد. یکی از جهت‌گیری‌های مهم در مطالعه رفتار مجرمانه، بررسی پیوند بین تمایلات یا گرایش‌های شخصیتی با ارتکاب جرم و رفتارهای بزهکارانه است. بر این اساس رفتار مجرمانه متأثر از برخی صفات شخصیتی است. نتایج پژوهش‌های مختلف حاکی از آن هستند که صفات شخصیتی روان‌گسستگی‌گرایی، برون‌گرایی، و روان‌آزردگی‌گرایی به طور مثبت پیش‌بینی‌کننده بزهکاری هستند. برخی دیگر از پژوهش‌ها نیز بحث کرده‌اند که صفات اصلی شخصیت مانند تکانشگری، نیاز به برانگیخته شدن یا هیجان‌طلبی بهتر از ویژگی‌های روان‌گسستگی‌گرایی، برون‌گرایی، و روان‌آزردگی‌گرایی، پیش‌بینی‌کننده بزهکاری هستند. به طور خاص هیجان‌پذیری منفی بالا یعنی گرایش به تجربه کردن حالت‌های عاطفی اجتنابی و فقدان بازداری، رفتارهای ضد اجتماعی و بزهکارانه را پیش‌بینی می‌کنند. بدین ترتیب با توجه به این که شناخت بهتر صفات شخصیتی افراد بزهکار می‌تواند در درک، ارزیابی، و طراحی برنامه‌های مداخله‌ای به ما کمک کند؛ مقاله حاضر با هدف بررسی و شناسایی عمیق‌تر رگه‌های شخصیتی و سایر زمینه‌های روان‌شناختی مانند توانمندی‌های شناختی افراد بزهکار تلاش می‌کند پیشنهادها و راهکارهای لازم در ارتباط با اقدامات پیشگیرانه از چنین آسیب‌های اجتماعی را ارائه نماید.

کلید واژه‌ها: شخصیت، زمینه‌های روان‌شناختی، بزهکار.

۱۳۹۲/۳/۵

تاریخ دریافت:

۱۳۹۳/۶/۵

تاریخ پذیرش نهایی:

✉ پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

Abbas_khanzadeh@yahoo.com

رفتار بزهکارانه فرایند پیچیده و چندوجهی است که از عوامل محیطی و زمینه‌های سرشتی فردی تأثیر می‌پذیرد. رفتار ضداجتماعی و بزهکاری دامنه وسیعی از اختلال‌های رفتاری را شامل می‌شود که موجب نقض قانون و حقوق دیگران می‌شود، مانند پرخاشگری، خشونت، دزدی، فرار از مدرسه و خانه، دروغ‌گویی، حمل اسلحه (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۰۰). بزهکاری به عنوان پدیده‌ای قانونی تعریف می‌شود و رفتارهای بزهکارانه به مجموعه‌ای از رفتارها اشاره دارد که برخلاف قوانین وضع شده و هنجارها است و به جامعه و دیگران آسیب می‌رساند (Vermeiren, 2003: 277) به طور کلی، اعمالی مانند قتل، دزدی، نزاع، تخریب، کلاهبرداری، تجاوز، غارت، وحشی‌گری و آتش‌افروزی به عنوان رفتار بزهکارانه تلقی می‌شوند و تقریباً تمامی جوامع در تعریف آن اتفاق نظر دارند (نواح و کوپایی، ۱۳۹۱: ۱۳۲). هم‌بازداشت‌های پلیس و هم خودگزارشی‌ها^۱ نشان می‌دهند که بزهکاری در اوایل سال‌های نوجوانی افزایش می‌یابد، اواسط نوجوانی در سطح بالا می‌ماند، و سپس در اوایل بزرگسالی کاهش می‌یابد. بیشتر پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تأیید شدن توسط همسالان بزهکار، رفتار ضد اجتماعی را در نوجوانان افزایش می‌دهد، البته به مرور زمان، همسالان قدرت نفوذ خود را از دست می‌دهند، استدلال اخلاقی تحول می‌یابد و نوجوانان وارد موقعیت‌های اجتماعی مانند ازدواج و کار می‌شوند که کمتر قانون‌شکنی در پی دارند (برک^۲، ۲۰۰۱؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۸: ۳۷۱). با این حال هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی، و انسانی پدیده بزهکاری، درک علل رفتارهای بزهکارانه برخی نوجوانان را از الویت‌های اصلی محققان، متخصصان و مسئولین ذیربط قرار داده است (Cohen & Piquet, 2009: 25).

در تبیین منشأ و ماهیت پرخاشگری و جرائم پرخاشگرانه، نظریه‌پردازان مختلف به نقش مجموعه‌ای از عوامل زیستی، روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی اشاره کرده‌اند (خادمی، ۱۳۸۹: ۳۴). مطالعات ژنتیکی، شواهد وراثتی معناداری را درباره رفتارهای ضداجتماعی آشکار کرده‌اند و ژن‌هایی را مربوط به رفتارهای ضد اجتماعی معرفی کرده‌اند، البته این ژن‌ها در تعامل با عوامل محیطی خود را نشان می‌دهند (خادمی، ۱۳۸۹: ۳۷). پژوهش‌های عصب‌شناختی، اشکالات ساختاری و عملکردی را در بخش‌های پیشانی، گیجگاهی و زیرقشری افراد ضداجتماعی و کمبودهایی را در توانایی‌های کلامی، فضایی و اجرایی آنها آشکار کرده‌اند (Schug, et al, 2010: 35) و به طور کلی فرض می‌شود که دخالت‌کننده‌های ژنتیکی، ۴۰-۵۰ درصد رفتار ضداجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند

1. Self-reports
2. Berck

(Moffitt, 2005: 131). روان‌شناسان اجتماعی بر نقش عوامل فردی و محیطی در بروز پرخاشگری و جرائم پرخاشگرانه تأکید می‌کنند و با استفاده از نظریه شناخت اجتماعی^۱ که به درک فرد از حالت‌های روان‌شناسی خود و استنباط او از مردم و روابط و موقعیت‌های اجتماعی اشاره دارد و با پردازش اطلاعات مرتبط با تعاملات بین‌فردی و به طور خاص نظریه ذهن، تصمیم‌گیری، همدلی و پردازش هیجان دیگران مرتبط است (Green, et al, 2005: 35)، تبیین دقیقی از جرم و بزهکاری ارائه داده‌اند و بیان کرده‌اند که افراد بزهکار در درک دیگران و مهارت‌های ارتباطی دارای نارسایی‌های عمده‌ای هستند (Keltikangas-Jarvinen, 2005: 31). در واقع شناخت اجتماعی بخش مهمی از شناخت درباره جهان را تشکیل می‌دهد و در کنش‌وری‌های اجتماعی، نحوه قضاوت درباره خود و دیگران و مهار رفتارها و هیجان‌ها اثر می‌گذارد (Santrock, 2004: 203). برخی دیگر از تحقیقات مانند Sanders (2002: 87) و چلپی و روزبهنی (۱۳۸۰: ۹۵) بر نقش والدین و کیفیت فرزندپروری در بروز بزهکاری فرزندان تأکید می‌کنند؛ به طوری که نتایج این تحقیقات حاکی از آن است که میزان بروز بزهکاری در خانواده‌های ازهم‌گسسته بسیار بیشتر از خانواده‌های سالم است. بالاخره یکی دیگر از عوامل روانی مهم مرتبط با بزهکاری که در بیشتر پژوهش‌های داخلی و خارجی به آن اشاره شده است، نقش ویژگی‌های شخصیتی^۲ است (Corff & Toupin, 2009: 43).

با توجه به این که انجام رفتارهای بزهکارانه در افراد با ویژگی‌های مختلف شخصیتی آنها در ارتباط است (Fritz, et al, 2008: 31) و پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شناسایی علل و ریشه‌های بزهکاری و شناسایی افراد در معرض خطر در سنین اولیه که ممکن است به طور بالقوه در معرض خطر ارتکاب رفتارهای بزهکارانه باشند، در طراحی برنامه‌های مداخله‌گرایانه و پیشگیرانه بسیار مؤثر است (فریتز و همکاران، ۲۰۰۸: ۳۱)؛ پژوهش حاضر به بررسی ویژگی‌های شخصیتی و سایر شاخص‌ها و نشانگرهای روان‌شناختی افراد بزهکار پرداخته است و با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و مطالعه کتابخانه‌ای درصدد پاسخ‌گویی به سؤال‌های زیر است:

۱. ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان بزهکار کدامند؟
۲. ویژگی‌های روان‌شناختی زمینه‌ساز بزهکاری کدامند؟
۳. کدام یک از اختلال‌های روان‌پزشکی در نوجوانان بزهکار شایع‌تر است؟

1. Social cognition
2. Personality traits

بدین ترتیب مطالب این مقاله به سه بخش تقسیم شده است. بخش اول با عنوان ویژگی‌های شخصیتی و بزهکاری به تحلیل نقش ویژگی‌های شخصیتی در بزهکاری پرداخته است. بر این اساس در این بخش ابتدا به طور کلی به ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان بزهکار اشاره می‌شود و سپس به بررسی مدل‌های معروف صفات شخصیتی (مدل پنج عاملی شخصیت، مدل شش عاملی شخصیت یا مدل هگزاکو، و مدل ابعاد سه‌گانه شخصیت آیزنک) در افراد بزهکار می‌پردازد. با توجه به اهمیت نقش ویژگی‌های روان‌شناختی زمینه‌ساز بزهکاری نوجوانان، بخش دوم به بررسی برخی از این ویژگی‌ها از جمله شناخت اجتماعی، مزاج^۱، حرمت خود، منبع مهارگری، و شیوه‌های مقابله با تنیدگی در بزهکاران می‌پردازد. بررسی اختلال‌های روان‌شناختی شایع در افراد بزهکار نیز موضوع بخش سوم را تشکیل می‌دهد. در پایان نیز نتیجه‌گیری لازم به عمل می‌آید.

۱. ویژگی‌های شخصیتی و بزهکاری

به طور کلی ویژگی‌های شخصیتی، الگوهای همسان افراد در رفتار، احساسات و افکار و ویژگی‌های فردی هستند که موجب تمایز فرد از دیگران می‌شوند. این ویژگی‌ها می‌توانند سه کارکرد داشته باشند: خلاصه کردن صفات شخصیتی فرد، پیش‌بینی کردن رفتارهای آینده فرد، و تبیین رفتارهایی که از فرد سر می‌زند. دیدگاه صفات بر این فرض استوار است که انسان‌ها از آمادگی‌های گسترده برای انجام عمل برخوردارند و به روش‌های خاصی به محرک‌ها پاسخ می‌دهند. این آمادگی‌های گسترده و روش‌های خاص پاسخدهی، ویژگی‌های شخصیتی هر فرد را تشکیل می‌دهند (پروین^۲، ۱۹۸۹؛ ترجمه کدیور و جوادی، ۱۳۸۱). در واقع ویژگی‌های شخصیتی مانند اجتماعی بودن و تکانشگری تمایل کلی برای پاسخ دادن به موقعیت‌ها را توصیف می‌کنند و مزاج اساساً معادل شخصیت دوره کودکی است. به طور کلی نتایج تحقیقات مختلف حاکی از ارتباط بین مزاج دوره کودکی و تخلفات و رفتارهای بزهکارانه بعدی گزارش شده است (خادمی، ۱۳۸۹: ۹۵). در مطالعه طولی Caspi & al (2002) در نیوزیلند مشاهده شد کودکانی که در سه سالگی مزاج غیر قابل‌مهار مانند ناآرامی، تکانشگری، و توجه ضعیف داشتند در سنین نوجوانی رفتارهای بزهکارانه بیشتری از خود نشان دادند.

مطالعه روابط بین شخصیت و رفتارهای بزهکارانه نشان می‌دهد که چرا افرادی که تحت شرایط جرم‌خیز یکسان زندگی می‌کنند ممکن است پاسخ‌های کاملاً متفاوتی به

1. Temperament
2. Pervin

شرایط یکسان بدهند، به طوری که برخی از افراد در محیط‌های مناسب، مرتکب رفتارهای نامناسب و جنایی می‌شوند و بعضی افراد دیگر با وجود زندگی در همان محیط‌های نامناسب، مرتکب رفتارهای نامناسب و جنایی نمی‌شوند (Jones, Miller & Lynam, 2011: p 1). در واقع صفات شخصیتی افراد می‌تواند به توضیح این که چرا برخی افراد در واکنش به تنیدگی، بیشتر رفتارهای برون‌سازی شده مانند سوءاستفاده از مواد را نسبت به رفتارهای درونی‌سازی شده مانند اضطراب نشان می‌دهند، کمک کند.

یکی از روی‌آوردهای اصیل و بادوام در مطالعه رفتار مجرمانه، بررسی ارتباط بین جرم و رگه‌های شخصیتی است (Caspi, et al 1994: 851; Burt & Donnellan, 2008: 53). شناخت بهتر صفات شخصیتی نوجوانان بزهکار به درک، سنجش، و طراحی برنامه‌های مداخله‌ای کمک می‌کند (Corf, & Toupin, 2009: p 43). نتایج پژوهش‌های قبلی مشخص کرده‌اند که برخی صفات شخصیتی می‌توانند افراد بزهکار را از همسالان غیربزهکار تمیز دهند (Jones, Miller & Lynam, 2011: 1). مطالعات در این حوزه تشریح کردند که مدل‌های سه‌عاملی و پنج‌عاملی شخصیت، پیش‌بینی‌کننده بزهکاری هستند (مانند Heaven, 1996; Krueger & et al, 1994; میلر و لینام، ۲۰۰۳). در یک فراتحلیل که توسط میلر و لینام (۲۰۰۱) انجام شده است مشخص شد که حتی با استفاده از پرسشنامه‌های مختلف ارزیابی شخصیت، صفات شخصیتی مشابهی با بزهکاری مرتبط هستند (Eaton, et al, 2009: 49).

Cale (2006) در مطالعه خود نتیجه گرفت که شخصیت، بسیاری از پیامدهای مهم زندگی مانند ارتکاب جرم و رفتارهای ضد اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند. به طور خاص هیجان‌پذیری منفی بالا (گرایش به تجربه وضعیت‌های عاطفی اجتنابی) و فقدان بازداری رفتاری، رفتارهای ضد اجتماعی را در سطوح مقطعی و طولی^۱ پیش‌بینی می‌کنند (به نقل از بورت و دونلان، ۲۰۰۸: ۵۳). Hundleby (1986: 129) دریافته است که برخی از صفات شخصیتی می‌تواند میزان استفاده از داروهای غیرمجاز را پیش‌بینی کند. Elkins & et al (2006: 26) این یافته را در پژوهش خود به مصرف مواد نیکوتین‌دار و الکل نیز بسط دادند. رفتارهای جنسی افراد بزهکار و نگرش‌های جنسی‌سازش‌نیافته (مانند کشش داشتن به پرخاشگری جنسی) نیز همبستگی‌های معناداری با صفات شخصیتی نشان داده است (Bogaert, 1993: 353). Martins & et al (2008: p 919) بین سوء استفاده از دارو در

۱. منظور از پیش‌بینی رفتارهای بزهکارانه در سطح مقطعی پیش‌بینی این رفتارها در یک مقطع زمانی خاص در آزمودنی‌هایی است که از لحاظ سن فرق دارند و منظور از پیش‌بینی در سطح طولی پیش‌بینی رفتارهای بزهکارانه در طول زمان است یعنی گروه یکسانی از آزمودنی‌ها بارها در سنین مختلف بررسی می‌شوند.

نوجوانان و ویژگی هیجان‌خواهی شخصیت و نظارت والدین روابط معناداری را پیدا کردند. بنابراین درک این که چه صفات شخصیتی پیش‌بینی کننده رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان است، موضوع مهمی است که در ادامه با بررسی مدل‌های معروف صفات شخصیتی در افراد بزهکار به آن می‌پردازیم.

۱.۱. رابطه بین مدل پنج‌عاملی و مدل شش‌عاملی شخصیت و بزهکاری

بسیاری از روان‌شناسان از مدل پنج‌عاملی شخصیت^۱ (McCrae & Costa, 1995: 231) برای بررسی ویژگی‌های شخصیتی بزهکاران استفاده کردند. این پنج‌عامل عبارتند از: برون‌گرایی، خوشایندی، وظیفه‌شناسی، روان‌آزردگی‌گرایی، و باز بودن (گشودگی) در مقابل تجربه^۲. پژوهشگران معتقدند که این عوامل می‌تواند مشارکت نوجوان در رفتارهای مخاطره‌آمیز را پیش‌بینی کنند (John, et al, 1994: 160; Markey, et al, 2001: 83).

۱.۱.۱. برون‌گرایی و بزهکاری:

برون‌گرایی به سطح فعالیت، اجتماعی‌پذیری، و سلطه‌گری اشاره دارد و با رفتارهای برون‌سازی^۳ و بزهکاری در میان نوجوانان پسر ارتباط مثبت دارد (جان و همکاران، ۱۹۹۴: ۱۶۰). با این حال وجود همبستگی مثبت معنادار بین برون‌گرایی با عواطف مثبت و ملایمت^۴، می‌تواند رابطه مثبت بین برون‌گرایی و بزهکاری را مورد تردید قرار دهد و آن را نیازمند تبیینی موشکافانه‌تر کند؛ شاید در این زمینه بتوان گفت که ملایمت و عواطف مثبت به اشخاص برون‌گرا در مقایسه با درون‌گرایان کمک می‌کند که دارای شبکه روابط فردی گسترده‌تری شوند و بر این اساس بتوانند به طور ماهرانه شبکه‌ای از حمایت اجتماعی را برای خود مهیا کنند و در کنار ویژگی سلطه‌گری خود بتوانند دیگران را با خود هم‌نوا و هم‌صدا سازند؛ موضوعی که در نوجوانان سردسته گروه‌های خلافکار دیده می‌شود.

۱.۱.۲. خوشایندی و بزهکاری

خوشایندی که به مهربانی، مؤدب بودن و قابل اعتماد بودن اشاره دارد، با رفتارهای مخاطره‌آمیز و بزهکاری در میان جوانان رابطه معکوس دارد (جان و همکاران، ۱۹۹۴: ۱۶۰؛

1. Five-factor model (FFM) of personality
2. Extraversion, Agreeableness, Conscientiousness, Neuroticism, Openness to experience
3. Externalizing
4. Warmth

مارکی و همکاران، ۲۰۰۱: ۸۳). در واقع خوشایندی بعدی از تمایلات بین فردی است و یک فرد با این ویژگی اساساً نوع دوست و سازش یافته است و نسبت به دیگران همدردی می کند و مشتاق است که کمک کند و باور دارد که دیگران نیز در مقابل، یاریگر هستند. بنابراین بروز رفتارهای پرخاشگرانه و بزهدارانه از این افراد بعید است.

جان و همکاران (۱۹۹۰: ۱۶۰) بر اساس مدل پنج عاملی شخصیت دریافتند که پسران بزهدار به طور معناداری نمرات پایین تری در عوامل خوشایندی و وظیفه شناسی نسبت به پسران غیربزهدار دارند. هیون (۱۹۹۶) گزارش کرده است که خوشایندی، وظیفه شناسی، و روان آزرده‌گی گرایبی با بزهداری مرتبط هستند. به طور خاص افراد با ویژگی‌هایی از قبیل خودمهارگری پایین، خصومت طلبی، نیاز به هیجان خواهی^۱ و خطر کردن، نگرانی کمتری درباره بهزیستی دیگران دارند و بیشتر در معرض انجام رفتارهای بزهدارانه هستند (Donnellan, Ge & Wenk, 2002: 727). همچنین در مدل شش عاملی شخصیت (مدل هگزاکو^۲)، همکاری و همدلی به عنوان رویه‌ای از صفت خوشایندی مطرح است (Ashton & Lee, 2009: p 1515) و پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مردان بزهدار همدلی کمتری از مردان غیربزهدار دارند (Mak, 1991: 287) و نتایج مطالعه‌ای که بر روی ۷۲۰ نوجوان ۱۵ ساله انجام شد نشان داد که همدلی کمتر، به تخلفات و خشونت‌های بزهدارانه در نوجوانان دختر و پسر منجر می شود (Jolliffe & Farrington, 2007: 265).

۳.۱.۱. وظیفه‌شناسی و بزهداری

وظیفه‌شناسی که بیشتر به سازماندهی و مهار تکانه اشاره دارد، با رفتارهای انحرافی و ناسالم رابطه معکوس دارد (جان و همکاران، ۱۹۹۴: ۱۶۰؛ مارکی و همکاران، ۲۰۰۱: ۸۳؛ Gullone & Moore, 2000: 393). افراد با نمرات پایین در وظیفه‌شناسی لزوماً فاقد وجدان اخلاقی نیستند، اما در به کارگیری اصول اخلاقی، زیاد دقیق نبوده و در تلاش برای رسیدن به هدف‌هایشان جدی نیستند و گاه و بی‌گاه تکانشی عمل می‌کنند و تمایل به محتاط بودن و خودمهارگری ندارند که مجموع این ویژگی‌ها می‌تواند تبیین‌گر رابطه منفی بین وظیفه‌شناسی و بزهداری باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Sensation seeking
2. HEXACO

۴.۱.۱. روان‌آزردگی گرابی، گشودگی نسبت به تجربه و بزهکاری

روان‌آزردگی گرابی که به ناپایداری هیجانی مانند اضطراب، نگرانی، و تندخویی اشاره دارد و گشودگی که خلاقیت، تصویرسازی (قوه تخیل)، و باهوش بودن را توصیف می‌کند؛ ارتباطشان با رفتارهای مخاطره‌آمیز جوانان ناپایدار بوده است (جان و همکاران، ۱۹۹۴: ۱۶۰؛ مارکی و همکاران، ۲۰۰۱: ۸۳؛ گالون و موری، ۲۰۰۰: ۳۹۳). در مجموع تمایل عمومی به عواطف منفی مانند ترس، غم، دستپاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت ویژگی افراد آزرده‌گرا است و بر این اساس انتظار می‌رود نوجوانانی که در روان‌آزردگی-گرابی نمره بالایی کسب می‌کنند عقاید غیرمنطقی داشته باشند و کمتر قادر به مهار تکانه‌های خود باشند و خیلی ضعیف‌تر از دیگران با تنیدگی کنار بیایند و بیشتر درگیر رفتارهای بزهکارانه شوند. در مورد گشودگی نسبت به تجربه نیز می‌توان گفت انتظار می‌رود تنوع‌طلبی، خلاقیت و جاه‌طلبی این افراد پیش‌بینی‌کننده مثبت بزهکاری باشد زیرا مجموع این ویژگی‌ها فرد را مستعد نابهنجار می‌کند.

مارکی و همکاران (۲۰۰۳: ۴۰۵) در پژوهش خود بر روی ۶۰ دختر پایه پنجم در ارتباط با ویژگی‌های شخصیت و مشارکت در رفتارهای مخاطره‌آمیز نتیجه گرفتند که دختران با ویژگی‌های فقدان وظیفه‌شناسی و فقدان خوشایندی مستعد مشارکت در رفتارهای مخاطره‌آمیز هستند. همچنین دختران با ویژگی گشودگی نیز متمایل به مشارکت در رفتارهای مخاطره‌آمیز سلامت هستند.

۵.۱.۱. هیجان‌خواهی و بزهکاری

هیجان‌خواهی یکی از ابعاد مدل شش عاملی شخصیت هگزاگو است (Lee, 2009: p 1515). نتایج پژوهش‌های مختلف حاکی از آن است که افراد بزهکار از نظر هیجان‌خواهی در سطح بسیار بالایی قرار دارند. همچنین بسیاری از پژوهش‌ها نشان دادند بین هیجان‌خواهی انسان‌ها و برخی از رفتارهای آنها مانند موتورسواری و رانندگی با سرعت زیاد، پرش با چتر نجات، مصرف سیگار، الکل و داروهای غیرمجاز رابطه وجود دارد. برخی از پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که میزان هیجان‌خواهی با اضطراب و پرخاشگری مجرمان مرتبط است. به عنوان مثال Huffman (1996) معتقد است که اعمال منافی عفت و رفتارهای خشن در نتیجه نیاز شخص به برانگیختگی صورت می‌گیرد. Zakerman (1994) نیز در بررسی‌های خود نتیجه گرفت که نیاز انسان برای برانگیختگی یا هیجان‌خواهی همان تمایل شخص برای جستجوی تجربه‌های جدید، تنوع‌طلبی، کسب هیجان‌های جدید و

اشتیاق زیاد برای خطر کردن است (به نقل از حسینی، طباطبایی، و آقا محمدیان، ۱۳۸۲: ۲۱).

در پژوهش McNamara, Vaccaro & Wills (1994: p 1) نشان داده شد که بین هیجان خواهی بزهکاران، تکانشی بودن و خشم همبستگی وجود دارد. Apter (1993)؛ به نقل از حسینی و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۱) معتقد است بسیاری از رفتارهای به ظاهر بی‌معنا مانند خرابکاری، اعمال منافی عفت، رفتارهای انحرافی و رفتارهای پر خاشگروانه که از ویژگی‌های بزهکاران هستند، در نتیجه نیاز انسان برای برانگیختگی است. Gordon (1992: p 595) دریافت، نوجوانانی که نمرات بالایی در هیجان خواهی کسب می‌کنند و حرمت خود پایین دارند، مرتکب جرائم فراوانی می‌شوند. Agnew & al (2002)؛ به نقل از جونز، میلر و لی‌نام، ۲۰۱۱: ۱) دریافتند افرادی که نمرات بالاتری در هیجان‌پذیری منفی و نمرات پایین‌تری در قید و بند کسب می‌کنند بیشتر احتمال دارد که در واکنش به فشار، درگیر رفتارهای بزهکارانه شوند. در پژوهشی که توسط حسینی، طباطبایی و آقامحمدیان (۱۳۸۲: ۲۱) با موضوع رابطه هیجان خواهی، برون‌گرایی و خشم در نوجوانان پسر بزهکار و عادی شهر تهران انجام گرفت مشخص شد که نوجوانان بزهکار در هر سه متغیر، نمرات بالاتری نسبت به نوجوانان عادی کسب کردند و این تفاوت بین این دو گروه معنادار بود.

۲.۱. مدل ابعاد سه‌گانه شخصیت آیزنک و بزهکاری

Eysenck (1967) با طرح دیدگاه خود در باب شخصیت، توجه ویژه‌ای به مغز داشته است و در این رابطه دو سیستم مغزی را معرفی می‌کند: سیستم رتیکولو کورتیکال که برانگیختگی قشری ایجاد شده توسط محرک‌های درون‌داد را کنترل می‌کند، و سیستم رتیکولولیمبیک که مسئول مهار پاسخ‌ها به محرک‌های هیجانی است (Matthews & Gilliland, 1999: 583). تیپ‌های مختلف شخصیتی در نظریه آیزنک، بر اساس نحوه و شدت عملکرد هر یک از این دو سیستم شکل می‌گیرد (آیزنک و آیزنک، ۱۹۸۵؛ به نقل از متیوز و گیلی‌لند، ۱۹۹۹: ۵۸۳).

آیزنک معتقد بود که تفاوت‌های اصلی بین درون‌گرایی و برون‌گرایی رفتاری نیست، بلکه زیستی و ژنتیکی است و علت اصلی آن در سطح انگیزتگی مغزی آنها است. افراد برون‌گرا بر خلاف افراد درون‌گرا، سطح انگیزتگی مغزی پایین‌تر و آستانه حسی بالاتر دارند، به تحریک حسی واکنش کمتری نشان می‌دهند و به خاطر پایین بودن سطح برانگیختگی مغزی‌شان به تحریک نیاز دارند و به طور فعال آنرا می‌جویند (آیزنک و آیزنک، ۱۹۸۵؛ به نقل از متیوز و گیلی‌لند، ۱۹۹۹: ۵۸۳).

بعد دوم شخصیتی آیزنک، روان‌آزردگی‌گرایی - پایداری هیجانی است که با قابلیت برانگیختگی مدارهای عصبی رتیکولولیمبیک مرتبط است. بدین صورت که افراد روان‌آزرده-گرا، در اثر تحریک هیجانی، بیش از افراد پایدار برانگیخته می‌شوند، صفات روان‌آزردگی-گرایی عبارت است از اضطراب، هیستری، وسواس و واکنش هیجانی مفرط و افراد روان-آزرده‌گرا بعد از انگیختگی هیجانی به سختی می‌توانند به حالت طبیعی برگردند، و همیشه نشانه‌های جسمانی مانند سردرد و کمردرد و مشکلات روانی مثل نگرانی، اضطراب و وسواس دارند (آیزنک و آیزنک، ۱۹۸۵؛ به نقل از متیوز و گیلی‌لند، ۱۹۹۹: ۵۸۳).

بعد سوم شخصیتی از نظر آیزنک، روان‌گسستگی‌گرایی - مهار تکانه است که افراد روان‌گسسته‌گرا، افرادی خودمحور، بی‌تفاوت، تکانشی، نامتعارف، مظنون، پرخاشگر و ضداجتماعی و در مقابل افراد دارای مهار تکانه دارای صفات نوع‌دوستی، همدلی، دلسوزی، متعارف، همرنگی، یاری‌گر هستند. از نظر آیزنک کارکرد این بعد تحت‌تأثیر عملکرد سروتونرژیک است، ولی اخیراً این بعد را با کارکرد دوپامین نیز مرتبط می‌دانند (متیوز و گیلی‌لند، ۱۹۹۹: ۵۸۳).

در مجموع با توجه به این که نتایج برخی از پژوهش‌ها از نظریه شخصیت آیزنک شامل روان‌گسستگی‌گرایی، روان‌آزردگی‌گرایی، و برون‌گرایی در جهت پیش‌بینی بزهکاری حمایت کردند، با این حال هیون (۱۹۹۶) و Levine & Jackson (2004) در مطالعه خود نتیجه گرفتند که صفات اصلی شخصیت مانند تکانشگری، نیاز به برانگیختگی یا هیجان‌خواهی شخصیت به جای سه صفت اصلی روان‌گسستگی‌گرایی، روان‌آزردگی‌گرایی و برون‌گرایی، پیش‌بینی‌کننده بهتری برای بزهکاری هستند (به نقل از Sigurdsson & Gudjonsson, 2007: p 1243). با این حال تحقیقات بیشتری باید بر اساس مدل سه‌گانه شخصیت در پیش‌بینی بزهکاری صورت گیرد تا بتوان به یک نتیجه‌گیری نهایی دست یافت.

۲. سایر ویژگی‌های روان‌شناختی زمینه‌ساز بزهکاری نوجوانان

۲.۱. شناخت اجتماعی و بزهکاری

علاوه بر ویژگی‌های خاص شخصیتی در نوجوانان بزهکار، این افراد از نظر سایر کنش‌های شناختی، عاطفی و اجتماعی دارای ویژگی‌هایی هستند که اولاً آنها را از سایر همسالان متمایز می‌سازد و ثانیاً شناخت این ویژگی‌ها می‌تواند ما را در امر مداخلات پیشگیرانه یاری رساند. یکی از این ویژگی‌ها، شناخت اجتماعی است. شواهد اخیر حاکی از آن است توانایی‌های مرتبط با شناخت اجتماعی در اوایل زندگی ظاهر می‌شوند و تا اواخر نوجوانی به تحول خود ادامه می‌دهند (Dumontheil, Apperly & Blakemore, 2010: p 331).

شناخت اجتماعی که مستلزم مهارت‌های شناختی مختلف و پردازش دقیق اطلاعات اجتماعی است (Serin & Brown, 2005: 249) دارای مؤلفه‌های گوناگونی مانند مهارت‌های حل مسئله اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، و مهارت‌های مهار خشم است (حسین خانزاده، ۱۳۸۹: ۴۵). نتایج پژوهش‌های مختلف نشان داده است که نوجوانان بزهکار گرایش دارند به رفتار دیگران نسبت‌های خصمانه بدهند، دنیا و اطرافیان خود را غیرقابل اعتماد بدانند، و اغلب راهکارهای پرخاشگرانه را برای حل مسائل روزانه زندگی انتخاب کنند (Kelticangas-Jarvinen, 2005: 31; Adams & Berzonesky, 2006: 76) ظرفیت‌های حل مسئله اجتماعی محدودی دارند و اغلب راهبردهای سازش‌نا یافته را برای حل مسائل به کار می‌گیرند (Nezo & DZurrila, 2005: 103). مطالعات نشان داده‌اند که نوجوانان پسر بزهکار سطوح پایین‌تری از راهبردهای گفتگوی بین‌فردی، مهارت‌های حل مسئله و شناخت اجتماعی را دارند و از طرف دیگر همین سطح پایین شناخت اجتماعی این افراد مبتنی بر ارزیابی‌های شناختی به نفع خود و بهره‌برداری از دیگران است (Goustavo, et al, 2003: 107). مداخلاتی که جهت بهبود مهارت‌های شناختی/اجتماعی و حل مسئله اجتماعی استفاده شده است در کاهش رفتارهای بزهکارانه مؤثر بوده است (Meek, 2006: 211). بنابراین این طور به نظر می‌رسد که شناخت اجتماعی مکانیزم مهمی است که رفتارهای اجتماعی و پیامدهای شایستگی اجتماعی با آن مرتبطند و بسیاری از مشکلات ارتباطی با دیگران مانند خشم و پرخاشگری، خشونت کلامی و غیرکلامی، دروغ‌گویی و نظایر آن ممکن است نتیجه شناخت‌های اجتماعی ناکامل یا نارسایی‌های شناختی - اجتماعی باشد که منجر به مشکلات رفتاری - اجتماعی مانند بزهکاری می‌شود. در واقع ضعف شناخت اجتماعی در نوجوان بزهکار موجب می‌شود که نتواند نقطه نظرات دیگران را ببیند و آنها را با نظرات خود یکپارچه کند و تمایلی هم به درک افکار، احساسات و انگیزه‌های دیگران ندارد و در نتیجه نمی‌تواند روابطش با دیگران را به خوبی مدیریت کرده و ارتقا بخشد.

۲.۲. مزاج و بزهکاری

نتایج مهمی از لحاظ ارتباط بین مزاج دوران کودکی و تخلفات و رفتارهای جنایی بعدی گزارش شده است (خادمی، ۱۳۸۹: ۳۷)؛ مزاج ویژگی سرشتی است که می‌تواند بر خودهدایت‌گری هیجانی تأثیر بگذارد و احتمال این که افرادی که در کودکی به صورت منفی و شدید واکنش نشان می‌دهند در نوجوانی مشکلات سازش‌یافتگی بروز دهند، بسیار زیاد است. البته باید در نظر داشت که تجربه می‌تواند صفات سرشتی را که پایه زیستی

دارند تغییر دهد و معمولاً وراثت و محیط به کمک هم ثبات سرشت را تقویت می‌کنند و در این جا وظیفه والدین است که رفتار سازش‌نا یافته کودک مشکل‌ساز را با ملامت اما با ثبات اصلاح کنند، زیرا چنان چه که والدین بی‌ثبات رفتار کنند به این صورت که مثلاً سرپیچی کودک را با تسلیم شدن در برابرش تقویت کنند، در حالی که قبلاً در برابر آن می‌ایستادند سبک تعارض برانگیز و تندخو کودک را حفظ و حتی تقویت می‌کنند و اگر این سبک رفتاری ادامه یابد، در اواسط کودکی و نوجوانی زمینه بروز رفتارهای بزهکارانه فراهم می‌شود. پس در برخورد با سرشت کودک، نحوه تعامل و سبک فرزندپروری والدین نقش مهمی دارد.

۳.۲. حرمت خود و بزهکاری

نتایج مطالعات بر روی نوجوانان بزهکار نشان داده است که آنها از نظر حرمت خود از همسالان خود پایین‌تر هستند (Jarvelin, Pegg, Ashbridge & Cullough, 1994: 605). در بررسی خود نتیجه گرفته است که بین ویژگی‌های حرمت خود پایین و افسردگی و اضطراب با سوء مصرف مواد و انحراف‌های رفتاری رابطه وجود دارد. همچنین در مطالعات طولی که روی ۶۰۰۷ شرکت‌کننده پسر از سال ۱۹۶۶ در فنلاند صورت گرفت، مشخص شد که شش درصد آزمودنی‌ها بین سنین ۱۵ الی ۲۲ سالگی رفتارهای بزهکارانه داشتند و بیشتر آنها دارای حرمت خود پایین بودند. ارزیابی که فرد از شایستگی‌های خود به عمل می‌آورد بر رفتارهای آتی و سازش‌یافتگی روانی بلندمدت او تأثیر می‌گذارد. بنابراین در اینجا نیز نقش تربیتی والدین در پرورش حرمت خود فرزند اهمیتی وافر می‌یابد و والدین باید سعی کنند که رابطه‌ای سازنده با فرزندشان برقرار کنند و موفقیت‌های او را تشویق کنند و به خاطر اشتباهات جزئی او را نکوهش نکنند.

Levy (1997: 277) نیز در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده است که رفتار بزهکارانه جدی‌تر در افراد بزهکار موجب خودپنداره منفی‌تر در این افراد می‌شود و این خود زمینه رفتارهای بزهکارانه را در این افراد قوی‌تر می‌سازد.

۴.۲. منبع مهارگری و بزهکاری

پژوهش‌ها نشان داده است که منبع مهارگری در افراد بزهکار بیرونی است؛ یعنی آنها پیامد مثبت رفتارهایشان را به علت‌های بیرونی مانند شانس، خواست و کمک دیگران نسبت می‌دهند (پگ، آشبریگ و کلوگ، ۱۹۹۴: ۶۰۵). مدانلو، حقانی، و جعفرپور (۱۳۸۰: ۷) با بررسی رابطه حرمت خود و منبع مهارگری در نوجوانان بزهکار و مقایسه آن با نوجوانان

عادی نتیجه گرفتند که بین حرمت خود و منبع مهارگری با بزهکاری رابطه وجود دارد؛ در نتیجه می‌توان با آموزش به والدین و مربیان کودک و نوجوان در جهت شکل‌گیری صحیح حرمت خود و تغییر منبع مهارگری نوجوانان بزهکار از بعد بیرونی به درونی اقدامات پیشگیرانه لازم را طراحی کرد.

۵.۲. شیوه‌های مقابله با تنیدگی و بزهکاری

تحقیقات مختلفی (از جمله افراسیابی و اکبرزاده، ۱۳۸۶: ۷؛ Nas, De Castro & Koops, 2005: p 363; Ruchkin, Eisemann & Hagglof, 1999: 705; به بررسی و مقایسه سطح تنیدگی و راهبردهای مقابله با آن در افراد بزهکار و افراد غیربزهکار پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین شیوه‌های مقابله با تنیدگی در نوجوانان عادی و بزهکار تفاوت معنادار وجود دارد و نوجوانان بزهکار بیشتر از شیوه‌های مقابله‌ای هیجان‌محور استفاده می‌کنند، در حالی که نوجوانان عادی بیشتر سبک‌های مسئله‌محور را به کار می‌برند. در این پژوهش‌ها تفاوت معنادار بین شیوه‌های مقابله با تنیدگی در نوجوانان عادی و بزهکار، بیانگر تأثیر مهم روش‌های مقابله با تنیدگی به عنوان یکی از عوامل پیشگیری از بزهکاری نوجوانان و کمک به آنها در سازش‌یافتگی با تغییرات و عوامل تنش‌گر است.

یکی از ویژگی‌های افرادی که از سبک مقابله مسئله‌محور استفاده می‌کنند سطح تنیدگی پایین است. پایین بودن سطح تنیدگی هیجانی باعث می‌شود که فرد در سایه آرامش روانی بهتر بتواند از مهارت‌های شناختی برای مقابله با مشکل استفاده کند و در نتیجه کمتر به رفتارهای مخاطره‌جویانه دست بزند. در مقابل نوجوانانی که از راهبرد مقابله‌ای هیجان‌محور استفاده می‌کنند با خودفریبی و تحریف واقعیت، ارزیابی غیرواقع‌بینانه‌ای از شرایط دارند و هنگام برخورد با عوامل تنش‌گر نمی‌توانند به خوبی تمرکز و سلطه خود بر موقعیت را حفظ کنند و آن را درست ارزیابی کنند؛ بنابراین احتمال این که دست به رفتارهای مخاطره‌جویانه بزنند بیشتر است. البته باید در نظر داشت که راهبردهای مقابله‌ای، مجموعه مهارت‌هایی هستند که تحت تأثیر آموزش و تجربه آموخته می‌شوند و قابل تغییرند، بنابراین لازم است از طریق آموزش سبک‌های مقابله‌ای مسئله‌محور و اصلاح سبک‌های هیجان‌محور، در قالب برنامه‌های آموزشی به نوجوانان برای تصحیح سبک‌های نامطلوب مقابله با تنیدگی و به تبع آن کاهش مخاطره‌جویی و بزهکاری اقدام شود.

نتایج پژوهش‌های بالا حاکی از آن است که افراد بزهکار دارای ویژگی‌های روان‌شناختی خاصی هستند که آنها را از افراد غیربزهکار متمایز می‌سازد و بر اساس این ویژگی‌ها می‌توان راهبردهای پیشگیرانه را در سطوح کوتاه‌مدت و بلند مدت اعمال کرد.

۳. بررسی اختلال‌های روان‌شناختی شایع در نوجوانان بزهکار

سن بروز بزهکاری معمولاً در دوره نوجوانی است. دوره‌ای که تقاضاهای محیطی افزایش می‌یابد و بسیاری از اختلال‌های روان‌پزشکی در این دوره آغاز می‌شوند. افراد در سنین نوجوانی با رسیدن به دو نوع بلوغ زیستی (بلوغ جنسی) و شناختی (رسیدن به مرحله انتزاعی)، وضعیت‌های تعارضی گوناگونی را تجربه می‌کنند که آنها را در مقابل رویدادها و تنیدگی‌های مختلف با مشکلات و آسیب‌هایی مواجه می‌سازد. رفتارهای بزهکارانه، گوشه‌گیری، مسائل تحصیلی و اختلال‌های روان‌شناختی همگی از واکنش‌های فرد نوجوان نسبت به ناراحتی‌ها و تعارض‌های مربوط به این دوره است. بنابراین در این قسمت به بررسی اختلال‌های روان‌شناختی مختلف افراد بزهکار بر اساس نتایج پژوهش‌های مختلف می‌پردازیم.

Yatest& et al (1988: 820) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که نوجوانان فراری از منزل از نظر ابتلا به بیماری‌های جسمانی و اختلال‌های روان‌شناختی مانند افسردگی، خودکشی، و سوء مصرف مواد در معرض خطر بیشتری قرار دارند. همچنین نوجوانان بزهکار ممکن است دچار بیماری‌هایی مانند سل، ایدز، سوء تغذیه و ضربه مغزی شوند که با علائم اختلال‌های روان‌شناختی همراه است. Lewiss (2002) نیز در مطالعه خود مشخص کرد که هشت درصد کودکانی که اقدام به آتش‌افروزی می‌کنند دچار اسکیزوفرنی هستند (به نقل از شانه‌ساز، نوروزی‌نژاد، و عبادی، ۱۳۸۳: ۱۵۲). Pert & et al (2002)، به نقل از خادمی، ۱۳۸۹: ۵۱) روابط قوی بین اختلال فزون‌کنشی/نارسایی توجه با بزهکاری پیدا کردند. جولیف و فارینگتون (۲۰۰۹: ۴۱) نیز روابطی معنادار بین تکانشگری و بزهکاری یافتند. فزون‌کنشی و خطرپذیری در نوجوانی خشونت در بزرگسالی را نیز پیش‌بینی می‌کند (هرنکهول و همکاران، ۲۰۰۰: ۱۷۶). همچنین Feitel (1992: 155) در پژوهشی که بر روی افراد فراری از منزل و بی‌خانمان انجام داد نتیجه گرفت که بیشتر آنها دچار اختلال‌هایی مانند افسردگی (۷۵ درصد)، اختلال در رفتار هنجاری (۵۹ درصد)، افکار خودکشی (۴۱ درصد)، و اقدام به خودکشی (۲۵ درصد) بودند و بسیاری از آنها مورد سوء استفاده جنسی و فیزیکی قرار گرفته بودند.

بررسی‌های مختلف درباره مشکلات شخصیتی مختلف افراد بزهکار نیز نشان داده است که بین ارتکاب جرم‌های گوناگون و اختلال‌های شخصیت رابطه معنادار وجود دارد. در این مطالعات رابطه بین اختلال‌های شخصیت ضداجتماعی و مرزی با جرم مورد تأکید قرار گرفته است. نتایج پژوهش Oronon, Hakola&Tihonen (1996) در کشور فنلاند نیز نشان

داده است که اختلال شخصیت ضد اجتماعی، ارتکاب به قتل را در مردان ده برابر و در زنان پنجاه برابر افزایش می‌دهد (به نقل از پالاهنگ، وکیل‌زاده، و دریس، ۱۳۸۱: ۳).

Grilo & et al (1997: 1305) در پژوهش خود نشان دادند که اختلال شخصیت مرزی در بیماران مبتلا به سوء مصرف مواد به طور معناداری بیشتر است. در پژوهش & al Rounsaville (1998: 87) مشخص شد که ۵۷ درصد از مصرف‌کنندگان مواد اعتیادآور به انواع اختلال‌های شخصیت مبتلا هستند که شایع‌ترین آنها اختلال‌های شخصیت ضد اجتماعی و شخصیت مرزی بود. بررسی میزان شیوع اختلال شخصیت در افراد زندانی توسط & et al Eppright (1993: 1233) نشان داده است که ۸۷ درصد از نوجوانان زندانی ۱۱ تا ۱۷ ساله مبتلا به اختلال رفتار هنجاری و اختلال شخصیت ضد اجتماعی بودند. نتایج این پژوهش مشخص کرد که نشانه‌های اختلال شخصیت ضد اجتماعی پیش از هجده سالگی بروز می‌کنند.

پالاهنگ، وکیل‌زاده، و دریس (۱۳۸۱: ۳) در بررسی خود با عنوان فراوانی اختلال‌های شخصیت در مجرمین مرد زندانی نتیجه گرفتند که ۵۵/۲ درصد از افراد نمونه به نوعی دارای اختلال‌های شخصیت بودند. اختلال شخصیت ضد اجتماعی با ۱۸/۲ درصد شایع‌ترین اختلال و اختلال‌های شخصیت اسکیزوئید و وابسته هر کدام با ۸/۴ درصد، اختلال شخصیت مرزی با ۷/۴ درصد، اختلال شخصیت مختلط با ۳/۴ درصد، اختلال‌های شخصیت وسواسی و نمایشی هر کدام با ۳ درصد، اختلال شخصیت پارانوئید با ۲/۵ درصد و سایر اختلال‌های شخصیت با ۰/۹ درصد، در رده‌های بعدی قرار داشتند.

۴. نتیجه‌گیری

همواره روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و سایر متخصصان دوره نوجوانی را همراه با پریشانی و آشفتگی توصیف کرده‌اند. در این دوره ویژگی‌هایی مانند طغیان‌گری، تکانشگری، نپذیرفتن مسئولیت و تمایل به دست‌ورزی و آزمایشگری، بهنجار و گذرا مفهوم‌سازی می‌گردد. با این حال پژوهش‌های تجربی متعدد پیشنهاد می‌کنند که این رفتارهای کلیشه‌ای تا اندازه‌ای نادرست هستند و در بین نوجوانان از لحاظ ویژگی‌های سازش‌یافتگی و مشارکت در رفتارهای مخاطره‌آمیز تفاوت‌های آشکاری وجود دارد. علاوه بر این سنین نوجوانی منفصل از تجربیات بعدی زندگی نیست. رفتارهای ناسالمی که در طی دوره نوجوانی بروز پیدا می‌کنند، ممکن است بر کنش‌وری روانی-اجتماعی دوره بزرگسالی تأثیر گذارد.

مطالعه روابط بین شخصیت و رفتارهای بزهکارانه نشان می‌دهد که از میان ویژگی‌های شخصیتی که در مدل‌های پنج‌عاملی و شش‌عاملی مطرح شده است ویژگی‌های

برون‌گرایی، هیجان‌پذیری، و روان‌آزردگی‌گرایی با بزهکاری رابطه مثبت دارند و می‌توانند رفتارهای بزهکارانه را به طور مستقیم پیش‌بینی کنند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که نمرات افراد بزهکار در ویژگی‌هایی مانند خوشایندی، وظیفه‌شناسی، و همدلی به طور معناداری کمتر از افراد غیر بزهکار است. برخی از پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که سه بعد شخصیتی مطرح در نظریه شخصیت آیزنک شامل روان‌گسستگی‌گرایی، روان‌آزردگی‌گرایی، و برون‌گرایی می‌توانند به طور مثبت بزهکاری را پیش‌بینی کنند (گودجانسون و سیگوردسون، ۲۰۰۷: ۱۲۴۳).

نکته قابل توجه در زمینه ارتباط بین صفات شخصیتی عمده و بزهکاری این است که یک انسان صفات و گرایش‌های مختلفی دارد و لزوماً یک صفت واحد و منحصر به فرد نمی‌تواند پیش‌بینی‌کننده بروز رفتار بزهکارانه در فرد باشد بلکه آنچه مهم است نحوه ترکیب و تعامل بین این صفات در فرد است؛ به این معنا که ممکن است یک فرد با نمره بالا در عامل روان‌آزردگی‌گرایی به رفتارهای بزهکارانه بپردازد ولی فرد دیگری با روان‌آزردگی بالا این گونه رفتارها را بروز ندهد به این علت که فرد اول علاوه بر روان‌آزردگی در گشودگی و هیجان‌خواهی نیز نمره بالایی دارد اما فرد دوم علاوه بر کسب نمره بالا در روان‌آزردگی‌گرایی، در خوشایندی و وظیفه‌شناسی نیز نمره بالایی کسب کند که ترکیب این صفات مانع بروز رفتارهای بزهکارانه در این فرد می‌شود.

علاوه بر ویژگی‌های خاص شخصیتی در نوجوانان بزهکار، این افراد از نظر سایر متغیرهای روان‌شناختی دارای خصوصیات هستند که آنها را از سایر همسالان غیربزهکار متمایز می‌سازد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد بزهکار در زمینه شناخت اجتماعی، اختلال‌هایی نشان می‌دهند، از مزاج دشوار برخوردارند، حرمت‌خود کمتری دارند، منبع مهارگری‌شان بیرونی است و در مقابله با تنیدگی، بیشتر از سبک‌هایمقابله‌ای هیجان‌محور استفاده می‌کنند. همچنین نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد که برخی از اختلال‌های روان‌شناختی مانند افسردگی، خودکشی، و سوء مصرف مواد، اختلال فزون‌کنشی/نارسایی توجه، و اختلال‌های شخصیت به ویژه اختلال شخصیت ضد اجتماعی در افراد بزهکار در مقایسه با غیربزهکاران شیوع بیشتری دارد.

بدین ترتیب پیشگیری از بزهکاری در نوجوانان از جنبه‌های مختلف انسان‌دوستانه برای جلوگیری از تباهی فرزندان این مرز و بوم، از دیدگاه جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه برای تبیین علل بزهکاری، از دیدگاه اقتصادی برای جلوگیری از صرف هزینه‌های مربوط به دستگیری، محاکمه و اصلاح، حائز اهمیت است. بررسی تأثیرات شخصیت بر سلامت رفتاری، امکان تسهیل شناسایی افرادی را که در معرض خطر انجام رفتارهای مخاطره‌آمیز

سلامت هستند فراهم می‌سازد. نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که برخی صفات شخصیتی، پیش‌بینی‌کننده‌های خوبی برای مشکلات رفتاری، بزهکاری و رفتارهای مخاطره‌آمیز هستند.

این یافته که برخی صفات شخصیتی پیش‌بینی‌کننده رفتارهای بزهکارانه است، می‌تواند در کوشش‌های پیشگیرانه و مداخله‌گرایانه مفید واقع گردد. صفات شخصیتی در کودکی میانه، رفتارهای مخاطره‌آمیز در دوران نوجوانی و بزرگسالی را پیش‌بینی می‌کند (مارکی و همکاران، ۲۰۰۳: ۸۳). اگرچه صفات شخصیتی معمولاً به صورت تفاوت‌های فردی پایدار مفهوم‌سازی می‌گردند، با این حال نتایج پژوهش‌ها حکایت از امکان تغییر شخصیت دارند و بازشناسی آسیب‌پذیری شخصیت‌های ناسالم، اولین گام مهم در تغییر شخصیت به حساب می‌آید. همچنین تلاش‌ها در زمینه ارزیابی صفات شخصیت قبل از دوره نوجوانی توسط متخصصان بالینی و پژوهشگران می‌تواند فرصتی را برای به کارگیری راهبردهای پیشگیرانه و مداخله‌گرایانه فراهم کند.

با توجه به نتایج تمامی پژوهش‌های بررسی شده در این مقاله در ارتباط با عوامل و ریشه‌ها و پیامدهای بزهکاری در افراد جامعه از حیث ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی و عوامل خانوادگی، پیشنهادهای زیر جهت جلوگیری از رفتارهای بزهکارانه در سطوح کوتاه مدت و بلندمدت ارائه می‌گردد.

برای اینکه بتوان در زمینه پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه موفق عمل نمود لازم است که در کنار مراکز مداخله در بحران، مراکز مداخله قبل از بحران نیز شکل گیرد. این مراکز می‌توانند افرادی را که در معرض بزهکار شدن قرار دارند مانند فرزندان خانواده‌هایی که در آنها سابقه طلاق، اعتیاد، اختلافات خانوادگی و نظایر آن وجود دارد شناسایی کرده و در معرض مداخلات روانی، زیستی، اجتماعی و خانوادگی قرار دهند.

به نظر می‌رسد رفتار بزهکارانه نوجوانان، معلول تجربه ناکافی یادگیری اجتماعی است. یعنی آنها آموزش‌ها، سرمشق‌ها، شناخت‌ها و پسخورنده‌های لازم را برای یادگیری رفتارهای مناسب دریافت نکرده‌اند. بنابراین کمبود رفتارها و شناخت‌های مناسب، نوجوان را مجبور می‌سازد تا به افراد منحرف همسال خود و افراد منحرفی که در محیط اطرافش وجود دارند نزدیک شده و طبیعتاً این افراد آموزش‌ها و سرمشق‌هایی را برای نوجوانان فراهم می‌کنند که رفتارهای بزهکارانه را گسترش می‌دهند بنابراین لازم است نارسایی‌های شناختی و رفتاری آنها برطرف شود و رفتارهای صحیح نوجوانان مورد تشویق و حمایت قرار گیرد.

در جریان تلاش برای کاهش بزهکاری نیاز به جلب همکاری تمامی مؤسسه‌ها و سازمان‌های ذیربط مانند آموزش و پرورش، بهزیستی، و دانشگاه (همکاری بین مؤسسه‌ای و

بین بخشی) است. همچنین تدوین برنامه ملی در تمامی سطوح نهادها و مؤسسه‌ها و تدوین قوانین جهت طراحی برنامه‌های پیشگیرانه در هر سه سطح اول، دوم و سوم باید مورد توجه قرار گیرد. مثلاً فراهم کردن امکانات آموزشی، تفریحی و زمینه‌های اشتغال جوانان؛ آموزش به والدین در زمینه چگونگی برخورد با فرزندان و تربیت آنها (زیرا والدین با رفتار خود بهترین الگو برای رفتارهای تربیتی فرزند هستند)؛ آموزش مهارت‌های ارتباطی، اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و ابراز وجود؛ آموزش خودمهارگری و تخلیه مناسب هیجانی؛ آموزش‌های اخلاقی، صداقت و حل مسئله؛ تلاش در جهت ارتقای حرمت‌خود نوجوانان در این زمینه نقش کلیدی دارد. البته در کنار این موارد، رسانه‌ها هم می‌توانند با تهیه و تولید برنامه‌های مناسب زمینه بروز رفتارهای بزهکارانه در جامعه را کاهش دهند.

با توجه به شیوع بالای اختلال‌های شخصیت در افراد مجرم و بزهکار لازم است از متخصصان روان‌شناس جهت فعالیت‌های مشاوره‌ای و آموزش والدین استفاده کرد تا به پایداری وضعیت خانواده در ممانعت از وضعیت بزهکاری نوجوانان کمک شود. همچنین می‌توان با ایجاد نگرش‌های مثبت در نوجوانان نسبت به قوانین و مقررات و پلیس و نظایر آن، مهارگری اعتدال‌گرایانه نوجوانان در انتخاب دوستان مناسب توسط خانواده و مدرسه، واکنش مناسب نسبت به رفتارهای نادرست نوجوان، و تنبیه آنها از طریق عدم ابراز توجه به آنها در جهت کاهش رفتارهای بزهکارانه گام برداشت. در نهایت با توجه به این که زمینه‌های شکل‌گیری شخصیت بزرگسال در طی دوران کودکی شکل می‌گیرد، باید رگه‌های شخصیتی مرتبط با بزهکاری از دوران کودکی و در سنین اولیه شناسایی گردد، و اقدامات لازم جهت پیشگیری صورت گیرد.

۵. منابع و مأخذ:

۱. افراسیابی، مهناز و اکبرزاده، نسرین (۱۳۸۶)، «بررسی و مقایسه شیوه‌های مقابله با استرس در نوجوانان عادی و بزهکار شهر تهران»، *مطالعات روان‌شناختی*، شماره ۳، صص ۱۹-۷.
۲. برک، لورا (۲۰۰۱)، *روان‌شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی)*. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۸)، تهران: ارسباران.
۳. پلاهنگ، حسن؛ وکیل‌زاده، سید بهاء‌الدین و دریس، فاطمه (۱۳۸۱)، «فراوانی اختلال‌های شخصیت در مجرمین مرد زندانی در زندان شهر کرد (۱۳۷۹-۱۳۸۰)»، *مجله اندیشه و رفتار*، شماره ۸، صص ۶۴-۵۷.
۴. پروین، جان (۱۹۸۹)، *شخصیت: نظریه‌ها و تحقیق*، ترجمه محمد جوتد جعفری و پروین کدیور (۱۳۸۱)، تهران: رسا.

۵. چلبی، مسعود و روزبه‌نی، توران (۱۳۸۰)، «نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان»، *پژوهش‌نامه علوم انسانی*، شماره ۲۹، صص ۹۵-۱۳۲.
۶. حسینی، مهران؛ طباطبایی، محمود و آقامحمدیان، حمیدرضا (۱۳۸۰)، «رابطه هیجان‌خواهی، برون‌گرایی و خشم در نوجوانان پسر بزهکار و عادی شهر تهران»، *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی*، شماره ۳، صص ۲۱-۳۹.
۷. حسین‌خانزاده، عباسعلی (۱۳۸۹)، *آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان و نوجوانان*. تهران: رشد فرهنگ.
۸. حسینی، سید مهران، طباطبایی، سید محمود؛ و آقامحمدیان، حمیدرضا (۱۳۸۲)، «رابطه هیجان‌خواهی، برون‌گرایی و خشم در نوجوانان پسر بزهکار و عادی شهر تهران»، *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، شماره ۲۴، صص ۲۱-۳۹.
۹. خادمی، علی (۱۳۸۹)، *رویکردهای نوین در روان‌شناسی رفتارهای جنایی*، تهران: علم.
۱۰. دلاور، علی؛ گلزاری، محمود و شجاعتی، عباس (۱۳۸۹)، «بررسی ویژگی‌های شخصیتی زنان مجرم» *فصلنامه زن و جامعه*، شماره ۱، صص ۱۹-۱.
۱۱. شانسه‌ساز، عبدالامین؛ نوروزی‌نژاد، غلامحسین و عبادی، رحیم (۱۳۸۳)، «مشکلات شایع روان‌پزشکی در بزهکاران کانون اصلاح و تربیت پسران شهر اهواز در سال ۱۳۷۹»، *مجله علمی پزشکی قانونی*، شماره ۱۰، صص ۱۵۵-۱۵۲.
۱۲. مدانلو، مهناز؛ حقانی، حمید؛ و جعفرپور، مهشید (۱۳۸۰)، «رابطه عزت نفس و منبع کنترل در نوجوانان بزهکار»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان*، شماره ۳، صص ۴۵-۴۱.
۱۳. نواح، عبدالرضا و کوهپایی، محمد باقر (۱۳۹۱). «عوامل اجتماعی و شخصیتی مؤثر بر گرایش به وندالیسم (خرابکاری) در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر اهواز»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، شماره ۴، ۱۳۱-۱۴۳.

1. Adams, G.R., & Berzonsky, M.D (2006), *Adolescence, Handbook of Developmental Psychology*, Maladen, Oxford & Victoria, Blackwell Publishing Ltd.
2. American Psychiatric Association (2000), **Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (4th end, Text Revision) (DSM-IV-TR)**. Washington, DC: APA.
3. Ashton, M., & Lee, M. (2009), Empirical theoretical and practical advantages of the HEXACO model of personality structure. *Personality and Individual Differences*, 42, 1515-1526.
4. Bogaert, A.F (1993), Personality, delinquency, and sexuality: data from three Canadian samples. *Personality and Individual Differences*, 15, 353-356.
5. Burt, S.A., & Donnellan, M.B (2008), Personality correlates of aggressive and non-aggressive antisocial behavior. *Personality and Individual Differences*, 44, 53-63.
6. Caspi, A., McClay, J., Moffitt, T. E., Mill, J., Martin, J., & Craig, I. W

- (2002), Role of genotype in the cycle of violence in maltreated children. **Science**, 297, 851-854.
7. Cohen, M.A., & Piquero, A.R (2009), New evidence on the monetary value of saving a high risk youth. **Journal of Quantitative Criminology**, 25, 25-49.
 8. Corf, Y.L., & Toupin, J (2009), Comparing persistent juvenile delinquents and normative peers with the five-factor model of personality. **Journal of Research in Personality**, 43, 1105-1108.
 9. Donnellan, M.B., Ge, X., & Wenk, E (2002), Personality characteristics of juvenile offenders: differences in the CPI by age at first arrest and frequency of offending. **Personality and Individual Differences**, 33, 727-740.
 10. Dumontheil, I., Apperly, I., Blakemore, S (2010), Online usage of theory of mind continues to develop in late adolescence. **Developmental Science**, 13, 331-338.
 11. Eaton, N.R., Krueger, R.F., Johnson, W., McGue, M., & Iacono, W.G (2009), Parental monitoring, personality, and delinquency: further support for a reconceptualization of monitoring. **Journal of Research in Personality**, 43, 49-59.
 12. eggP, R., Ashbridge, D., & Cullough, M (1994), The effect of self-esteem, family structure, locus of control career goals on adolescent. **Adolescence**, 29, 115, 605-610.
 13. Elkins, I.J., King, S.M., McGue, M., & Iacono, W.G (2006), Personality traits and the development of nicotine, alcohol, and illicit drug disorders: prospective links from adolescence to young adulthood. **Journal of Abnormal Psychology**, 115, 1, 26-39.
 14. Eppright, T.D., Kashani, J.H., Robinson, B.D., & Ride, J.C (1993), Comorbidity of conduct disorder and personality disorder in an incarcerated juvenile population. **American Journal of Psychiatry**, 150, 1233-1236.
 15. Feitel, B., Murgetsin, N., Chamas J (1992), Psychosocial background and behavioral and emotional disorder of homeless and runaway youth. **Hospital and community psychiatry**, 43, 155-159.
 16. Fritz, V.M., Wiklund, G., Kuposov, R.A., Klinteberg, B.A., & Ruchkin, V.V (2008), Psychopathy and violence in juvenile delinquents: what are the associated factors? **International Journal of Law and Psychiatry**, 31, 272-279.
 17. Gordon, M (1992), Self-esteem and sensation seeking as predictors of leisure-time visage and satisfaction adolescence. **Journal of Consulting and Clinical Psychology**, 60, 595-604.
 18. Goustavo, C., Anne, H., Stacie, C., & Brandy, A.R (2003), Sociocognitive and behavioral correlates of measure of prosocially tendencies for adolescents. **The journal of early adolescence**, 23, 107-133.
 19. Green, M. F., Oliver, B., Crawley, J.N., Penn, D.L., Silverstein, S (2005), Social cognition in schizophrenia: recommendations from the Measurement and Treatment Research to Improve Cognition in

- Schizophrenia New Approaches Conference. **Schizophrenia Bulletin**, 31, 882-887.
20. Grilo, C. M., Martino, S., Walker, M.L., Becker, D.F., Edell, W.S., & McGlashan, T.H (1997), Controlled study of psychiatric comorbidity in psychiatrically hospitalized young adults with substance use disorder. **American Journal of Psychiatry**, 154, 1305-1307.
 21. Gudjonsson, G.H., & Sigurdsson, J.F (2003), Motivation for offending and personality. A study among young offenders on probation. **Personality and Individual Differences**, 42, 1243-1253.
 22. Gullone, E., & Moore, S (2000), Adolescent risk-taking and the five-factor model of personality. **Journal of Adolescence**, 23, 393-407.
 23. Herrenkohl, T.L., Maguin, E., Hill, K.G., Hawkins, J.D., Abbott, R.D., & Catalano, R.F (2002), Developmental risk factors for youth violence. **Journal of Adolescent Health**, 26, 176-186.
 24. Hundleby, J.D (1986), Personality and the prediction of delinquency and drug use: A follow-up study of training school boys. **British Journal of Criminology**, 26, 129-146.
 25. Jarvelin, M (1995), Juvenile delinquency education and mental disability. *Exceptional Children*, 61, 223-241.
 26. John, O.P., Caspi, A., Robins, R.W., Moffitt, T.E., & Stouthamer-Loeber, M (1994), The little five: exploring the non-logical network of the five-factor model of personality in adolescent boys. **Child Development**, 65, 160-178.
 27. Jolliffe, D. & Farrington, D.P (2007), Examining the relationship between low empathy and self-reported offending. **Legal and Criminal Psychology**, 12, 265-286.
 28. Jolliffe, D. & Farrington, D.P (2009), **A systematic review of the relationship between childhood impulsiveness and later violence**. In M. McMurrin & R. Howard (Eds.). *Personality, Personality disorder, and violence* (pp. 41-61) Chichester: Wiley.
 29. Jones, Sh.E., Miller, J.D., Lynam, D. R (2011), Personality, antisocial behavior, and aggression: A meta-analytic review, **Journal of Criminal Justice**, 1-9.
 30. Kelticangas-Jarvinen, L. (2005), **Social problem solving and development of aggression**. In McMurrin, M. & McGuire, (Eds), *Social Problem Solving and Offending*, (31-49). Chichester, John Wiley & Sons Ltd.
 31. Levy, K.St.C (1997), Multifactorial Self-Concept and Delinquency in Australian Adolescents. **Journal of Social psychology**, 37, 3, 277-283.
 32. Mak, A. S (1991), Psychological control characteristics of delinquents and non-delinquents. **Criminal Justice and Behavior**, 18, 287-303.
 33. Markey, C.N., Ericksen, A.J., Markey, P.M., & Tinsley, B.J (2001), Personality and family determinants of preadolescents' participation in health-comprising and health-promoting behaviors. **Adolescent and Family Health**, 2, 83-90.
 34. Markey, C.N., Markey, P.M., & Tinsley, B.J (2003), Personality, puberty,

- and preadolescent girls risky behaviors: examining the predictive value if the five-factor model of personality. **Journal of Research in Personality**, 37, 405-419.
35. Martins, S.S., Storr, C.L., Alexander, P.K., & Chilcoat, H.D (2008), Adolescent ecstasy and other drug use in the National Survey of Parents and Youth: The role of sensation-seeking, parental monitoring and peers drug use. **Addictive Behaviors**, 33, 919-933.
 36. Matthews, G., & Gilliland, K (1999), The personality theories of H. J. Eysenck and J. A Gray: a comparative review. **Personality and Individual Differences**, 26, 583-626.
 37. McCrae, R.R., & Costa, P.T (1995), Trait explanations in personality psychology. **European Journal of Personality**, 9, 231-252.
 38. McNamara, G., Vaccaro, D., & Wills, T (1994), Novelty seeking risk taking and related constructs as predictors of adolescent substance use. **Journal of Substance Abuse**, 6, 1-20.
 39. Meek, W (2006), More on the military and antisocial personality disorder, www.Psych Central.com.
 40. Moffitt, T.E (2005), The new lock of behavioral genetics in developmental psychopathology: Gene-environment interplay in antisocial behavior. **Psychological Bulletin**, 131, 533-554.
 41. Nas, C.N., De Castro, B.O., & Koops, W (2005), **Social Information Processing in Delinquent adolescents**. Routledge /part of the Taylor & Francis Group. 363-375.
 42. Nezu, C.M, DZurilla, T.J & Nezu, A.M (2005), **Problem solving therapy, theory, practice and application to sex offenders**. In McMurrin, M., & McGuire, (Eds), *Social Problem Solving and Offending*, (103-123). Chichester, John Wiley & Sons Ltd.
 43. Rounsaville, B.J., Kranzler, H.R., Ball, S., Tennen, H., Poling, J., & Triffleman, E (1998), Personality disorders in substance abusers: relation to substance use. **Journal of Nervous and Mental Disorders**, 186, 87-95.
 44. Ruchkin, V., Eisemann, M., & Hagglof, B (1999), Coping Styles Delinquent of Adolescents and Controls: The Role of Personality and Parental Rearing. **Journal of youth and adolescent**. 28, 6, 705-717.
 45. Sanders, M.R (2002), Parenting interventions and the prevention of serious mental health problems in children, **MJA**, 177, 87-92.
 46. Santrock, J.W (2004), *Educational Psychology*, 2nd Edition, New York, McGraw-Hill.
 47. Schug, R.A., Andrea, I., Glenn, M, P., Yaling, Y., & Adrian, R (2010), **The Developmental Evidence Base: Neurobiological Research and Forensic applications**. Published in forensic psychology book edited by Graham, J. Towl & David A. Grighton. Oxford: Blackwell.
 48. Serin, R.C & Brown, S (2005), **Social Cognition in Psychopaths, Implication for Offender Assessment and Treatment**. In McMurrin, M. & McGuire, (Eds), *Social Problem Solving and Offending*, (249-264). Chichester, John Wiley & Sons Ltd, Woolfolk, A, (2004). Educational Psychology, 9 Edition, Boston, Pearson, Education,

- Inc.
49. Vermeiren, R (2003), Psychopathology and delinquency in adolescents: a descriptive and developmental perspective. **Clinical Psychology Review**, 23, 277-318.
50. Yatest, G.L., Maclenzie, R., Pennbridge, J., Cohen, E.A (1988), A risk profile comparison of runaway and non-runaway. **American Journal of Public Health**, 78, 820-821.

